

## «بررسی شریعت در دیوان استاد شهریار»

فریده بابائی

مدرس درس نگارش علمی

پردیس فرهنگیان امیرکبیر

نمونه کار مقاله علمی

## چکیده

در مکتب عرفان اسلامی، بهویژه پیروان مذهب شیعه، رعایت موازین و قوانین شرع و اطاعت از اوامر و دستورات قرآن برای رسیدن به والاترین درجات معنویت، امری ضروری به شمار میرود. لزوم انقیاد به مبانی و اصول شریعت برای دستیابی به باطن و حقیقت ذات مقدس باریتعالی، بر هیچکس پوشیده نیست. تمامی عارفان مسلمان به خصوص در مکتب تشیع براین باورند دارند که بدون پیروی از قوانین شریعت نمیتوان گام در راه سیر و سلوک الی الله نهاد. آنان معتقدند که شریعت راه و مسیر است و آن را طریقت

میخوانند و پایان این راه همانا، حقیقت یا همان توحید و یکتاپرستی است که در این مرحله، عارف به فنای انانیت از خود دست میرسد. عارفان، شریعت را پوستهای برای طریقت و طریقت را وسیله نیل به حقیقت میدانند.

شریعت در شعر شاعران مسلمان نیز، مبتنی بر اصول و مبانی شرع اسلام است، و مبانی آن در دوره‌های مختلف تاریخی و ادبی، بنا به شرایط اجتماعی، ابعاد شخصیتی و الگوهای مختلف فکری- هنری هر یک از شاعران، متفاوت است. استاد شهریار از جمله شاعرانی است که وی را بیشتر با اشعار عاشقانه و بنمایه‌های پرسوز و گداز شاعرانه می‌شناسند؛ غزلیات وی روزنهای است برای شناخت دیدگاه‌های شهریار و پی بردن به بنیادهای فکری عارفانه وی. بخش قابل توجهی از دیوان شهریار را مضامین اخلاقی، اندیشه‌های متعالی انسانی، اندرزهای دینی تشکیل میدهد که اساس و بنیان آن بر پایۀ شریعت اسلام بنا نهاده شده است.

### کلیدواژه: عرفان، شریعت، ادبیات، شعر، استاد شهریار، دیوان اشعار

#### پیشگفتار

شریعت در لغت «مشرعه الماء» را می‌گویند؛ یعنی محلی که آب می‌آشامند و در اصطلاح عبارت است از امور و فرائض دینی که خداوند تعالی جهت بندگانش بندگان ب-ه انس-ان پیامبر(ص) تعیین فرموده و اقوال و اعمال و احکام که متابعت آن سبب انتظام امور معاش و معاد باشد و موجب حصول کمالات گردد و شامل احوال خواص و عوام بوده، جمیع امت در آن شریک باشند چون شریعت مظهر فیض رحمانی است که رحمت ع-ام خداوندی است (سراج، 1382: 369).

«شریعت، هم قوانین و اصول دینی است و هم آنچه حکما و عرفا به طور خاص گفته‌اند؛ یعنی آن دسته از امور دینی که حضرت عزت عز شأنه جهت بندگان به لسان پیغمبر تبیین فرمود از اقوال و اعمال و احکام...» (سجادی، 1366: 1053) و یا «همان کیش و آیین پرستش و آن چه انسان بدان پای بند گردد» (خرمشاهی، 1377: 1072)

به عبارت دیگر، شریعت همان راه و طریق دین است که سبب رستگاری انسانها میشود و خداوند به عنوان یک رحمت عام آن را از طریق پیامبران برای مردم فرستاد و عمل به آن ن-ه تنها برای رسیدن به فضایل معنوی و کمالات لازم است، بلکه لازمه بهتر زیستن و نظم.

م ی-افتن زندگی دنیوی انسان نیز هست. پس شریعت هم برای زیستن دنی-وی و هم ب-رای رس-یدن ب-ه کمالات اخروی لازم است. شریعت امر به التزام به عبودیت است و جهت تکلیف خلق میآید و معرفت سلوک الی الله است و در مراحل تربیت معنوی و عرفانی به عنوان اولین و زیربنایی ترین مرتبه به شمار میآید تا جایی که همه بزرگان آن را همان راه انبیاء که فرم-ان خداس-ت و چراغ راه انسان، معرفی کردهاند (آقاحسینی و سنجرى، 1389: 205، 204).

اندیشهها و افکاري که در آيينه آثار هنرمندان تجلی مییابد، نموداري از طرز فکر و باورهاي یک ملت است چنان که امروزه محققان، با بررسی آثار هنري به جا مانده از روزگاران گذشته، به ویژه آثار ادبی، میتوانند به کنه و عمق عقای-د و افکار اقوام و ملل جهان پی ببرند. تجلی اندیشه اسلامى در سخن شاعران ایران بعد از اسلام نیز چنین است، چنان که از آغازین روزهاي حضور اسلام در میان شعراي فارسی زبان، شاهد تأثیرپذيري آنها از اندیشههاي دینی بودهایم. گرچه در آغاز، قرآن در قالب الفاظ و گزارهها آشکارا در شعر فارسی نمود و ب-روزي نداشت-ه و ص-رفاً ب-ه ص-ورت مشابهت‌هاي مضمونی در اندیشه و باور شعرا خودنمایی کرده است، لیکن هرچه پیشتر میرویم، سیر این تح-ول از ه-ر حیث، در لفظ و معنای شعر فارسی، بیشتر مشاهده میشود.

«عرفا معتقدند که باطن شریعت راه است، و آن را طریقت م خوانند و پایان این راه حقیقت است؛ یعنی توحید... که پس از فنای عارف از خود و انانیت خود دست میدهد. این است که عارف به سه چیز معتقد است: شریعت، طریقت، حقیقت و معتقد است که شریعت وسیله یا پوسته‌اي است برای طریقت و طریقت پوسته‌اي یا وسیله‌اي برای حقیقت» (مطهری، 1387: 94).

شریعت شاعری، مبتنی بر اصول، عناصر و راهبردهای هنری شاعران است و عناصر این شریعت در دوره‌های مختلف تاریخی و ادبی، بنا به شرایط اجتماعی، ابعاد شخصیتی و الگوهای مختلف فکری- هنری هر یک از شاعران، جنبه انسی و متغیّر پیدا کرده است (جوادی امامزاده و عبیدینیا، 1393: 73).

«شریعت به طور سنتی به دو بخش تقسیم شده است: عبادات و معاملات. میتوان گفت که قلب شریعت بخش عبادات است و حتی در دوران معاصر نیز بخش مربوط به عبادات که پایه و اساس دین است و همه مسلمانان آن را ارکان دین مینامند، همچنان به قوت خود باقی است. این ارکان شامل جهاد، نمازهاي روزانه (صلاة) و روزه، زکات و حج و مناسک مرتبط به آن است. و اما این بخش از پژوهش را با جهاد که به معنای تلاش در

راه خدا است و از عبادات شریعت به شمار می‌آید آغاز میکنیم» (رج، سجادی، ۱۳۷۳: ۱۰) باتوجه به آنچه ذکر شد میتوان گفت پژوهش درخصوص جایگاه شریعت در ادبیات بویژه شعر فارسی، لازم و ضروری به نظر میرسد و همین امر نگارنده این جستار را بر آن داشت تا این مقوله را در شصت غزل از دیوان اشعار استاد شهریار و به شکل تصادفی بررسی نماید.

### پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع این جستار، تا کنون پژوهشهایی صورت گرفته که موارد زیر، از آن جمله‌اند:

نوری خاتونبانی (۱۳۷۸) در رساله خود ابعاد شریعت و قرائت‌های مولوی از آن، در سه دفتر نخست کتاب مثنوی معنوی و اهداف و انگیزه‌های او از کاربرد آیات و روایات در آن کتاب و شیوه‌های بیان شریعت در آن را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است.

منصوری (۱۳۸۹) در رساله خود به بررسی پیوند عرفان و شریعت و چگونگی تعامل آن از دیدگاه غزالی پرداخته است.

خاتمی و شاکری (۱۳۹۰) در مقاله خود ضمن بررسی مبانی شریعت کوشیده‌اند جایگاه و روش غزالی را در تلفیق شریعت و طریقت بررسی کنند.

کبوتری و ماهیار (۱۳۹۱) در جستاری به بررسی نمود شریعت، عرفان و اخلاق در مثنوی «مجنون و لیلی» پرداخته‌اند.

ذوالفقاری و دیگران (۱۳۹۲) «تصویر» و «شریعت» و «کعبه» و تعامل این سه با همدیگر و چگونگی کاربرد و رویکردهای آن در دیوان خاقانی را محور اصلی پژوهش خود قرار داده‌اند.

ابراهیمی دینانی و محمد علی خزانہ دارلو (۱۳۹۳) در جستاری کوشیده‌اند با تحلیل نگاه متمایز مولانا به حضرت محمد (ص) در مقایسه با دیگر انبیا و اولیا، موجبات دستیابی به تحلیل دقیق و کامل دیدگاه مولانا در دو بخش مستقل: شریعت و طریقت محمدی و مقام محمد (ص) را فراهم سازند و با تبیین جایگاه شریعت محمدی از یک سو و طریقت محمدی از سوی دیگر و بررسی ارتباط نظر مولانا در این باب با مسئله وحدت ادیان در عرفان، وجوه تمایز شریعت اسلام و طریقت محمدی را بررسی نموده‌اند.

### اصول شریعت از دیوان استاد شهریار

## توحید:

در میان مذاهب اسلامی توحید ذاتی، همواره مورد پذیرش تمامی گرایش‌ها بوده است ولی در مورد توحید صفاتی و توحید افعالی اختلافاتی وجود دارد. خداوند در قرآن کریم میفرماید: «مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ: ما پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست فقط مرا عبادت کنید.» (انبیاء، ۲۵)

شهریار نیز به عنوان شاعری مسلمان و شیعه با اقرار به اساس یگانگی پروردگار یکتا که نخستین اصل از اصول شریعت است، بارها مراتب عبودیت و بندگی خود به درگاه خدای یکتا را یادآور شده است::

نه همین سوز عبودیت او در سازم      من به ساز ابدیت هم از او دمسازم (شهریار، ۱۳۹۱: ۲۲۰)

همچنین شهریار در شعر زیر یادآور میشود که هرکس بنده بیچون و چرای خداوند باشد و خود را در زمره بندگان مخلص وی درآورد، بیگمان از عذاب دوزخ و آتشقهر و غضب خداوندی، در امان خواهد بود:

حلقه طاعت به گوش آویز و در آتش مرو      اهرمن بود آنکه فرمان خدا نشنید و رفت (همان، ۹۴۸)

استاد شهریار بندگی و سرسپردگی به دوست واقعی یعنی خداوند یگانه را شهریار برمی‌شمارد و چنین میگوید:

تو بندگی بگزین شهریار، بر در دوست      که بندگان در دوست شهریارانند (همان، ۲۰۱)

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه در شرح صفات خدای یگانه چنین فرموده‌اند: «لِحَمْدُ لِلَّهِ الْمَعْرُوفِ مِنْ غَيْرِ رُؤْيَةٍ وَ الْخَالِقِ مِنْ غَيْرِ رُؤْيَةٍ الَّذِي لَمْ يَزَلْ قَائِمًا دَائِمًا إِذْ لَا سَمَاءَ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَ لَا حُجُبٌ ذَاتُ إِرْتَاجٍ وَ لَا لَيْلٌ دَاجٍ وَ لَا بَحْرٌ سَاجٍ وَ لَا جَبَلٌ ذُو فِجَاجٍ وَ لَا فَجٌّ ذُو اغْوَجَاجٍ وَ لَا أَرْضٌ ذَاتُ مَهَادٍ وَ لَا خَلْقٌ ذُو اعْتِمَادٍ ذَلِكَ مُبْتَدِعُ الْخَلْقِ وَ وَارِثُهُ وَ إِلَهُ الْخَلْقِ وَ رَازِقُهُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ دَائِبَانِ فِي مَرْضَاتِهِ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَ يَقْرَبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ.. حمد و سپاس ویژه خداوندی است که بی‌آنکه دیده شود شناخته شده است و در آفرینش موجودات به فکر و اندیشه، نیازی ندارد؛ خداوندی که همیشه بوده و تا ابد، خواهد بود؛ در آن هنگام که نه آسمانی صاحب برجها وجود داشت و نه حجاب‌های فرو بسته؛ نه شبی تاریک، نه دریایی آرام، نه کوهی در کنار دره‌های وسیع، نه راهی پر پیچ و خم، نه زمینی

آرام، نه مخلوقی صاحب قدرت؛ این است پدید آورنده موجودات و وارث آنها و معبود خلائق و روزی دهنده آنها؛ خورشید و ماه در طریق اطاعتش، پیوسته در حرکت‌اند: هر تازه‌ای را (با گردش پیایی خود) کهنه می‌بازند و هر دوری را نزدیک می‌کنند.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۰)

ابیات زیر از غزل «چشمه قاف» در تایید حضور همیشگی پروردگار هستی و بیان این صفت خداوندی به خوبی قابل مشاهده است:

از همه سوی جهان جلوه او می‌بینم  
جلوه اوست جهان کز همه سو می‌بینم

چشم از او جلوه از او ما چه حریفیم ای دل  
چهره اوست که با دیده او می‌بینم  
تا که در دیده من کون و مکان آینه گشت  
هم در آن آینه آن آینه رو می‌بینم  
(شهریار، ۱۳۸۷: ۸۳)

### نبوت:

کلمه نبی حتی پیش از اسلام نیز کاربرد داشته است. واژه انگلیسی آن کلمه «Prophet» است که از کلمه یونانی «Prophetes» مشتق شده و به معانی «کسی که سخن می‌گوید»، «کسی که اعلام می‌کند»، «کسی که از آینده سخن می‌گوید» یا «کسی که از پیش سخن می‌گوید» است اصطلاح نبی بیش از سیصد بار در کتاب عهد قدیم آمده است و به افراد مختلفی اطلاق شده است و در بیشتر موارد، این کلمه برای اشاره به «اخبار از احکام الهی، امور دینی و امور آینده» است (هاکس، ۱۳۷۷: ۸۳۷). قرآن کریم انبیاء را برگزیدگان خداوند میداند، به این معنا که خداوند مستقیماً شخصی را برای مقام نبوت برمی‌گزیند. بنابراین انتخاب نبی به مشیت و اراده‌ی الهی است؛ «اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا ۚ وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» خدا از میان فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند و از میان مردم؛ بیگمان خدا شنوای بیناست» (الحج، ۷۵)

شهریار در شعرش به بعثت و نبوت پیامبر اشارات فراوانی داشته است که شعر «آفتاب نبوت» همانگونه که از نام آن پیداست گل سرسبد آنهاست که اشاره مستقیم به اصل نبوت پیامبر اکرم دارد:

ای طلوع آیت «والشمس» در سیمای تو  
سوره «والطور» وصف سینه سینای تو  
لیله المعراج و آن آغوش ناز کبریا  
بوالعجب تشریف سلطانی است بر بالای تو  
(شهریار، ۱۳۹۱: ۴۷۹)

باور به اصول دین اسلام و توجه به مسایل مذهبی، استاد شهریار به حدی است که عشق و رادتش به ائمه اطهار علیه السلام در بسیاری از اشعارش هویداست. او در گرامیداشت

مقام والای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم این چنین میسراید:

ستون عرش خدا قائم از قیام محمد	بین که سر بکجا میکشد مقام محمد
بجز فرشته عرش آسمان وحی الهی	پرنده پر نتوان زد به بام محمد
به کارنامه منشور آسمانی قرآن	که نقش مهر نبوت بود بنام محمد

(شهریار، ۱۳۸۷: ۶۵)

#### معاد:

حدود ۱۲۰۰ آیه درباره معاد در مجموع قرآن مجید که قریب یک سوم آیات قرآن را تشکیل می دهد، آمده است. تقریباً در تمام صفحات قرآن، بدون استثناء ذکری از معاد به میان آمده است. خداوند متعال در قرآن میفرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ: و کسانی که کافر شدند گفتند رستاخیز برای ما نخواهد آمد بگو چرا سوگند به پروردگارم که حتما برای شما خواهد آمد [همان] دانای نهان[ها] که هم وزن ذره ای نه در آسمانها و نه در زمین از وی پوشیده نیست و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر از آن است مگر اینکه در کتابی روشن [درج شده] است» (سبا، ۳).

در شعر زیر از استاد شهریار، تجلی اعتقاد به عالم پس از مرگ و پذیرش اصل معاد تجلی به خوبی دیده میشود:

به شب هجر تو در خلوت غوغایی دل	نپذیرم به جز از یاد رخت یاد دگر
باش تا روی ترا سیر ببینم که اجل	به قیامت دهم وعده دیدار دگر

(شهریار، ۱۳۸۷: ۱۳۶)

شهریار که با تکیه بر آموزه های دینی و تربیتی خود درکی درست از حقیقت هستی دست یافته بود، وی دریافته بود که نباید دربند این دنیای خاکی و تعلقات آن اسیر شد و این دنیا گذرگاهی موقتی است برای رسیدن به دنیای باقی و زندگی اخروی:

جهان زندان آزاده است لیکن مکافاتش بهشت جاودانی (شهریار ۱۳۸۷: ۱۰۱)

ابیات ذکر شده در ادامه از شهریار را میتوان همراهی با سخنی از امام علی در نهجالبلا غه دانست که میفرمایند «بدون تردید روز آینده نزدیک است، چه به سرعت ساعتها در روز و روزها در ماهها و سالها در طول عمر، میگذرد». (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸) که دلالت بر ناپایداری دنیا و اعتقاد به جهان آخرت است:

گفت دهری که پس از مردن میعاد نیست نفی کز روی یقین نیست هم از نادانی است



گفتم از ما حرجی نیست اگر حشر نبود  
چيست

(شهریار، ۱۳۹۱: ۷۰۹)

#### امامت:

امامت مهم‌ترین اصل اعتقادی مذهب تشیع است. امامت در لغت به معنای دوستی، یاری دادن، به دست گرفتن کاری، فرماندهی داشتن و . . . است و در اصطلاح، یک منصب الهی و خدادادی است که شامل همه فضیلت‌های انسانی است. مطابق این تعریف، امامان از سوی خداوند و به وسیله پیامبر (ص) تعیین می‌شوند، دارای همان فضایل و امتیازات پیامبر (به‌جز مقام نبوت) هستند، و کار آنان منحصر به حکومت دینی نیست (درگاه اطلا عرسانی مهدویت، تاریخ انتشار 1393/3/20). در تصدیق اصل امامت و ولایت خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت میکردند و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم و تنها ما را عبادت میکردند (انبیاء، ۷۳)

استاد شهریار نیز با تاسی به همین امر و با التزام به اصل امامت، این مضمون را در دیوانش استفاده میکند تا با ضمن ابراز ارادت به مولای متقیات در شناخت وی نیز بکوشد؛ این شعر نیز موید ارادت وی به ائمه به ویژه، حضرت علی علیه السلام و با اقتباس از حدیث شریف نبوی (انا مدینه العلم و علی بابها)، سروده شده است:

من علی شاه ولایت به دو عالم ثمرستم  
شهر علمست رسول الله و من باب و درستم

(شهریار، ۱۳۹۱: ۱۰۰۹)

«خداوند متعال پیامبرش را با شدت هر چه تمام‌تر، امر فرمود که رسالت خود را ابلاغ نماید و طبق روایات، پیامبر اکرم (ص) به دنبال نزول این آیه، در جایی به نام غدیر خم، حضرت علی (ع) را با عبارت مشهور «هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست.» به جانشینی خود برگزید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۸۲).

شعر زیبای «علی ای همای رحمت» از استاد، نمونه بینظیر و بیبدیل اشعاری است که در وصف حضرت علی سروده شده است:

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه هما را  
دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من به خدا قسم خدا را  
(شهریار، ۱۳۸۷: ۱۲)

## مهدویت:

آیات متعددی در شان امام مهدی (عج) هست که امامان معصوم (ع) تفسیر، تأویل و تطبیق این آیات را بر وجود مقدس امام زمان (عج) و حکومت جهانی ان عدالت‌گستر بیان نموده‌اند. خداوند متعال در قرآن چنین می‌فرماید: «يَوْمَ تَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۚ» به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند؛ و به‌قدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود.» (اسراء، ۷۱)

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه چنین بیان میکند: «آن چه از این آیه استفاده می‌شود، این است که این فراخوان، شامل همه انسان‌ها از اولین و آخرین می‌شود... از این آیات قرآن، ضمن فهم نقش امام در هستی، همیشگی و پیوستگی این جریان زلال نیز فهمیده می‌شود پس در عصر ما هم وجود با برکت حضرت مهدی (عج) که قطب عالم امکان و هادی دل‌ها و افعال مؤمنان و سالار کاروان حق پویان است، امری مسلم و قطعی است.» (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۰۳)

شهریار به عنوان شاعری متعهد و شیعه در شعر خود همیشه به انتظار فرج و ظهور منجی عالم بشریت نگاهی خاص و ویژه داشته است و به گونه‌ای که وی را سرآمد شاعران شعر ولایی برمی‌شمارند:

محمد و علی و فاطمه، حسن و حسین      ز چهر پاک تو مهدی، نگار می‌بینم  
بتاب شمس پس ابر غیب، ای موعود      زمانه در کفر قوم شرار می‌بینم

(شهریار، ۱۳۸۷: ۲۲)

مسئله مهدویت و عقیده به مهدی (عج) منتظر در بین مسلمانان و ادیبان پارسی اهمیت زیادی دارد و این مطلب اختصاص به شیعه ندارد، بلکه اهل سنت در این موضوع به طور عموم با شیعه موافقت دارند و روایات زیادی درباره حضرت مهدی (عج) نقل کرده‌اند، بنا بر همین اصل از شریعت اسلامی شاعران مسلمان از جمله شهریار نیز در انعکاس این موضوع سرودهای متعددی داشته است، به عنوان مثال:

جمال چون تو به چشم و نگاه پاک توان دید      به روی چون منی الحق دریغ چشم و نگاهت

در انتظار تو می‌میرم و در این دم آخر      دلم خوشست که دیدم به خواب گاه به گاهت

(همان، ۱۷۸)

## جهاد:

در قرآن آیاتی بسیار درباره عظمت و جایگاه رفیع جهاد در میان عبادات به چشم می خورد که به یکی از آنها اشاره می کنیم: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ: در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می جنگند و می کشند و کشته می شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است پس به این معامله ای که با او کرده اید شادمان باشید و این همان رستگاری بزرگ است.» (توبه، ۱۱۱)

استاد شهریار در راستای تکریم مجاهدت و رشادتهای دلاور جهان اسلام و نیز ضرورت امر جهاد مطابق با فرامین الهی چنین سروده است:

سلام ای جنگجویان دلاور	نهنگان به خاک و خون شناور
سلام ای صخره های صف کشیده	به پیش تانکهای کوه پیکر
صف جنگ و جهاد صدر اسلام	صف عمّار یاسر، مالک اشتر
به قرآن وصف او بنیان مرصوص	صف مولا علی، سردار صفدر

(شهریار، ۱۳۹۱: ۵۴۷)

امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب در نهج البلاغه میفرماید: «جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند تنها به روی اولیاء خاص خویش گشوده است و آن لباس تقوا و زره نفوذ ناپذیر و سپر اطمینان بخش الهی بر پیکر مجاهدان است» (نهج البلاغه، خطبه ۷).

شهریار همانگونه که پیشتر نیز گفته شد همواره در پاسداشت جایگاه مجاهدان راه حق و به تصویر کشیدن مقام شامخ سالار شهیدان امام حسین (ع) پیشتاز بوده و در مورد قیام عاشورا و دستور جهاد در شریعت اسلامی از سوی خداوند یگانه نیز قلمفرسایی کرده است:

رخت و دیباج حرم چون گل به تاراجش برند      تا به جایی که کفن از بوریا دارد  
حسین

بردن اهل حرم دستور بود و سرّ غیب      ورنه این بی حرمتی ها کی روا دارد  
حسین

(شهریار، ۱۳۹۱: ۴۰۷)

شهریار با پیروی از دستورات قرآن کریم و منابع دینی جهاد را یکی از واجبات می داند؛

وی جهاد را علاوه بر واجب بودن آن، به سبب وطن‌دوستی و دفاع از بیگانه در تجاوز به خاک میهن ضروری می‌داند، به همین روی، کسانی را که در جهاد سستی می‌کنند و یا از آن سرباز می‌زنند، مورد نکوهش قرار میدهد و مردم را به جهاد در راه خدا و دفاع از سرزمین تشویق می‌کند:

بیگانه شمردند مرا در وطن خویش      تا بی‌وطن و از همه بیگانه بمیرم  
سرباز جهادم من و از جبهه‌ی احرار      انصاف کجا رفته که در خانه بمیرم  
(همان، ۱۴)

### اتحاد:

ضرورت وحدت در میان مسلمانان و نیز اجتناب از اختلاف و تفرقه برای دست یابی به رشد و تعالی همه امت‌های اسلامی بر هیچ کس پوشیده نیست. زیرا سعادت ملت‌های آزاده و مسلمان، در گرو وحدت و تقریب میان آنها میباشد، همچنین تفرقه و اختلاف منشأ شقاوت ملت‌های اسلامی است که یقیناً مهمترین هدف استکبار نیز از صدر اسلام تا کنون ایجاد تفرقه و اختلاف برای سیطره بر جوامع اسلامی میباشد. لذا اشاره به هوشیاری جامعه اسلامی و رفع موانع اختلاف امری ضروری است که شهریار با اشراف کامل به قیام عاشورا کوشیده است که به التزام ایستادگی بر عهد تا پای جان تاکید ورزد و آن قیام بزرگ حسینی را همواره ستوده است:

بجز از علی که آرد پسری ابوالعجائب      که علم کند به عالم شهدای کربلا را  
چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان      چو علی که میتواند که بسر برد وفا را (شهریار، ۱۳۸۷: ۱۲).

وفای به عهد:

شهریار که به اصول انسانی و ایمانی بسیار پایبند است، وفای به عهد و لزوم پایبندی به تعهد و مسوولیت‌پذیری را برای امت اسلام ضروری میداند و انسان بدقول را از فرومایگان و پستان روزگار می‌شمارد:

لئیم سفله از بد قول بهتر      که زنهار از خلاف وعده زنهار  
وفایی گر نباشد وعده کفر است      چه گفتاری چو با وی نیست کردار  
(شهریار، ۱۳۸۷: ۱۰۹۹)

### نماز و راز و نیاز:

نماز لفظ و واژه‌ای است که در متون دینی ما به عنوان «صلاه» از آن یاد می‌شود و دارای معانی متعددی است که یکی از آن معانی، همین عمل مخصوصی است که به نام نماز در دین اسلام تشریح شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ

وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُتَكْرَرِ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِمَّا تَصْنَعُونَ: اِهمانا نماز آدمی را از هر کار زشت و منکر باز می‌دارد و یاد خدا بزرگتر است.» (عنکبوت، ۴۵)

شهریار به عنوان شاعری عارف و مسلمانی شیعه، در اشعارش همواره از نماز و راز و نیاز با پرودگار یاد میکند و عشق و سوز درونی خویش به معبود حقیقی بیان میدارد:

عارفان فجر شکافند به معراج نماز      قشریان بندی و پیچیده به شکیاتند

(شهریار، ۱۳۹۱: ۸۰۲)

و یا در جای دیگر چنین میگوید:

صلا زدند که برگ صبح ساز کنید      به ساز مرغ سحر ترك خواب ناز کنید

وضو به چشمه صباي صبحدم سازید      به سوي قبله می‌خوارگان نماز کنید

(همان: ۸۱۸)

گرچه هر يك از احكام و فرائض دینی در جای خود از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار است، اما در این میان بعد از معرفت الهی هیچ فریضه‌ای به والایی مرتبه نماز نمی‌رسد، چرا که این تنها نماز است که معراج مؤمن و عامل تقرب انسان وارسته، به خدا شناخته شده و معیار پذیرش همه واجبات قرار گرفته است. به این جهت آخرین پیام سفیران الهی، سفارش به نماز این استوانه استوار دین بوده، چنان که پرسش نخستین روز رستاخیز هم از آن خواهد بود. امام علی (ع) در وصیت خویش چنین میفرماید: «وَاللَّهِ - فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ: خدا را، خدا را درباره نماز، چرا که ستون دین شماست» (نهج‌البلاغه خطبه ۴۷). شهریار، در جایی دیگر نیز، بر این باور است که تمامی کائنات و موجودات عالم را در حال تسبیح پرودگار و راز و نیاز با معبود خویشند و از همگان می‌خوتد که در هماهنگی با کل کائنات سر تعظیم به پیشگاه باریتعالی فرود آورند:

از سوز دل به زمزمه دمساز میشوم      با بلبلان شب همه شب نغمه ساز کن

وقت است دست و روی بشویم نماز را      مریم نشسته بر لب جو دستماز کن

(شهریار، ۱۳۹۱: ۹۴۷)

شهریار عارف، راز و نیاز با معشوق ازلی را در دل شب از جان و دل دوست میدارد و به انسانها یادآور میشود که همچون مرغان سحری، خدای یکتا را تسبیح گویند:

مرغان سحر به سوز و ساز انگیزند      تا ذوق عبادت به نماز انگیزند

بر بام سماوات صلاي ناز است      تا خاك نشینان به نیاز انگیزند (همان، ۱۱۶۳)

**روژه:**

روژه در لغت به معنی خودداری و دوری از یک شیء می‌باشد. دلیل واجب بودن روزه در

این آیه از قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» ای مؤمنان روزه بر شما واجب گردیده است همان گونه که بر ملت هایی که قبل از شما بوده اند واجب بوده است». (بقره، ۱۸۳)

اعتقاد به اصل روزه به عنوان یکی از عبادات واجب در شریعت اسلامی بیان گر این است که روزه روح تقوا و پرهیزگاری را در انسان زنده می کند، از شدت غرایز می کاهد، روح را تلطیف و صفا می بخشد. «روزه عزم و اراده انسان را قوی و در آدمی قدرت تصمیم گیری ایجاد کرده و راه را برای سیر و سلوک به سوی خدای متعال هموار می سازد (روضاتی، ۱۳۸۵: ۶۷).

استاد شهریار، اعتقاد به روزه و عمل به این دستور و قانون شرعی را بر خود لازم میداند و از زوایای مختلف به آن مینگرد:

سرو چمن نهاده بر این در سر نیاز	ای سرکشی به قامت چون سرو ناز کن
تا روزهام به مرتع افلاک میچرم	آری رسن دراز بود ترك از کن

(شهریار، ۱۳۹۱: ۹۴۸)

«عَلَيْكُمْ بِصِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ حَصِينَةٌ» بر شما باد به روزه ماه رمضان؛ زیرا روزه این ماه، سپری است نگه دارنده از آتش دوزخ» (نهج البلاغه، خطبه ۵۵). شهریار در بیان حکمت روزه و آیین روزه داری نیز سروده هایی بسیار دارد و بر این باور است که روزه ملجا انسان است و او را از شیطان و جهنم مصون میدارد:

حکمت روزه داشتن بگذار	باز هم گفته و شنیده شود
صبرت آموزد و تسلط نفس	وز تو شیطان تو رمیده شود
هرکه صبرش ستون ایمان بود	پشت شیطان از او خمیده شود

(شهریار، ۱۳۹۱: ۳۳)

در ادامه همین قطعه شعر وی روزه را میوه باغ معرفت معرفی میکند و این فریضه دینی را سبب ساز کمال و پالایش و سرحد عبادات میخواند که عارفان و عاشقان واقعی همه چشم به راه رسیدن این ماه مبارک هستند:

عارفان سرکشیده گوش به زنگ	کز شب غره، ماه دیده شود
آفتاب ریاضتی که از او	میوه معرفت رسیده شود (همان ۱۰۱۵)

### حج و زیارت:

حج یکی از مهم ترین اصول فروع دین اسلام است. مسلمانان با داشتن شرایطی مکلف اند در دهه اول ماه ذی الحجه به مسجد الحرام در شهر مکه در عربستان سعودی رفته و مجموعه ای از اعمال نیایشی را به جا آورند. خداوند متعال در مورد حج بارها در قرآن به

کریم به پیامدها و اهمیت آن اشاره نموده است: «إِنَّ الصَّافَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ: همانا صفا و مروه از علائم و نشانه های (دین و پرستش) خداست، پس کسی که حج خانه خدا کند یا عمره به جا آورد، بر او گناهی نیست (بلکه واجب است) که بر آن دو طواف کند (میان آن دو سعی نماید زیرا نصب کردن مشرکان قبل از اسلام بتی را در هر یک از صفا و مروه و احترامشان بدان‌ها سبب از بین رفتن حرمت سعی الهی شما نمیشود) و هر که کار نیکی افزون بر حد واجب انجام دهد (بر تعداد سعی و طواف بیفزاید) خداوند سپاسگزار و داناست. (بقره، ۱۵۸)

در آثار شهریار نیز اماکن مقدس و به ویژه کعبه جایگاهی ویژه و بس والا دارد؛ به‌عنوان مثال در شعر زیر اشاره به کعبه و مراسم حج نمود دارد:

به نوید آشنا و به صدای پای عاشق      در و دشت، نینوا کن به نوای آشنایی  
به طواف کعبه، سنگ محک ریاضتش بود      که جدا شدیم از هم من و زاهد ریایی  
(شهریار، ۱۳۸۷: ۴۲۱)

در شریعت اسلام معروف است حج از اعظم شعائر اسلام هست و از پیامبر نقل شده است: «آن که مستطیع باشد و انجام حج را به تأخیر اندازد تا بمیرد، خداوند او را در روز قیامت، یهودی یا نصرانی برمی‌انگیزاند» (طباطبایی، ص ۴۲۳).

به فقر و صبر و قناعت بساز و احسان کن      که فرش کعبه به حرمت چو بوریای تو  
نیست  
به هوش باش که بازت ندارد از احسان      کسی که شاکر احسان بی‌لایای تو  
نیست

(شهریار، ۱۳۸۷: ۱۶۶)  
عمر باد و تندرستی از ره دورم چه پروا      زاد شوقی همره است و توسن رهوار  
باقی  
میتپد دلها به سودای طوافت ای خراسان      باز باری تو بمان ای کعبه احرار باقی  
(همان، ۲۹)

## نتیجه‌گیری

استاد محمدحسین بهجت تبریزی مشهور و متخلص به شهریار، شاعر پارسیسرای معاصر است که در سرودن غزلیات پرسوز و گداز عاشقانه شهره است. این شاعر گرانقدر، در دیوانش علاوه بر اشعار عاشقانه، مضامین و آموزه‌های اخلاقی را نیز به زیباترین شکل ممکن پیش روی

مخاطب قرار داده است. دین و دینداری، از بارزترین عناصر فکری سازنده شعر اوست که پیونددهنده حلقه‌های فکری دیگر وی نیز هست.

اشعار حکیمانه و اخلاقمداران شهریار با زبانی ساده و روان و بیتکلف و در قالب مضامینی زیبا و به و در از نصیحت صرف و اندرزگویی، بیان شده است و همین خصیصه موجب افزایش گیرایی سخن وی نزد مخاطب گردیده است زیرا هر سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند.

گفتنی است هدف از پژوهش حاضر، بررسی جایگاه مبانی و اصول شریعت در شعر شهریار بوده است، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که توجه به اصول و مبانی شریعت اسلامی و باورهای مذهب شیعه، در شعر شهریار نمود پررنگی دارد؛ مهمترین و پربسامدترین مفاهیم شریعت اسلامی در شعر وی عبارت‌اند از: توحید، نبوت، امامت، معاد، مهدویت، جهاد، اتحاد، نماز، روزه، حج. شهریار با آگاهی به اصول و مبانی شریعت و عرفان اسلام کوشیده است تا مخاطب خویش را به کسب فضایل اخلاقی و پایبندی به اصول مذهبی ترغیب نماید. استاد در مضامین اشعار خود از قرآن مدد گرفته و در تسکین مشکلات زندگی با کتاب وحی آرامش یافته است؛ چنان که در اشعار وی مفاهیم و معارف قرآن به صورت موجز و زیبا آمده است.

بر اساس داده‌های پژوهش، میتوان گفت آموزه‌های دین اسلام بر پایه اصول مذهب شیعه و مبانی شریعت اسلام از بسامد و گستردگی بالاتری نسبت به سایر مؤلفه‌های شریعت و عرفان در شعر شهریار، برخوردار است و وی این پایبندی به این اصول و مبانی را مبنایی جهت نیل به مبدا هستی و درواقع جزیی از مراحل و شرایط سلوک عرفانی میداند. شهریار برای نیل به نیاز درونیاش که درواقع رسیدن به معرفت و حقیقت است، ترک لذات دنیوی میکند و تائب میشود و به فقر و گرسنگی و تنهایی تن درمیدهد؛ رو به کتاب آسمانی مینهد و حاجت باطنیاش را در غزل مناجات با خدای، بازگو میکند. وحدت وجود یکی از بنیادیتترین نگرشهای عرفانی و اولین اصل از اصول شریعت اسلامی است است که بسیاری از دیگر باورهای عارفان درباره خداوند، انسان، جهان و آفرینش بر آن پای گرفته است و نیز بسیاری از ستیزه‌ها، بدبینی‌ها، تکفیرها و کشتنهایی را که درمورد عارفان و صوفیان انجام گرفته است، در شهر شهریار، نمود چشمگیری دارد. استاد سیدمحمدحسین شهریار علاوه بر آنکه شاعری شیرین گفتار و غزلسرایی و الامقدار است، از عارفان دلسوخته و سالکان دلباخته نیز بشمار میرود. استغنا طبع بلند شهریار آنچنان به مال و منال دنیا پشت پا میزند که به هیچ چیز جز دوست نمی اندیشد، شعلههای عرفان در پرتو شریعت اسلامی، در جای جای اشعار شهریار بر جان اهل ادب



آتش میزند. اندیشه شهریار در اوج عرفان و معنویت است زیرا وی خود را تابع و پیرو اصول ارزشمند و والای اسلام میداند.

### فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه

آقاحسینی، حسین و سنجری، زهرا (1389). «نقش شریعت در سیر کمال انسان». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشهای فلسفی کلامی، دوره 12، شماره 45. آملی، سید حیدر (1363). جامع الاسرار و منبع الانوار. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

ابراهیمی دینانی، آرزو و خزانه دارلو، محمد علی (1393). «بررسی تحلیلی شریعت، طریقت و مقام محمدی در فیه مافیه»، فصلنامه ادیان و عرفان، دوره 47، شماره 1. جوادی امامزاده، هادی و عبیدی نیا، محمد امیر (1393). «عناصر شریعت دوگانه شاعری انوری» مجله شعر پژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، دوره 6، شماره 3. خاتمی، احمد و شاکری، فرهاد (1390). «غزالی و تلفیق شریعت و طریقت با تکیه بر کیمیای سعادت». مجله تاریخ ادبیات، شماره 65.

خرمشاهی، بهاءالدین (1373). دانشنامه قرآن. تهران: دوستان و ناهید.

درگاه اطلاع‌رسانی مهدویت، تاریخ انتشار 1393/3/20.

ذوالفقاری، محسن و موسوی، سیده زهرا و شهدایی، سیدکیهان (1392). «تصاویر کعبه و ترك ادب شرعی در شعر خاقانی». متن‌شناسی ادب فارسی علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان، دوره 5، شماره 4.

روضاتی، میر سید احمد. (۱۳۸۵). فلسفه روزه. قم: انتشارات طباطبائی، چاپ سوم.

سجادی، سیدجعفر (1366). فرهنگ معارف اسلامی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

سراج، ابونصر (1382). اللمع فی التصوف. مترجم: مهدی مجتب‌بی، مص-حج: نیکلس-ون، ته-ران: اساطیر.

شهریار، محمدحسین. (۱۳۹۱). دیوان شهریار. ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات نگاه، چاپ چهل و پنج.

شهریار، محمدحسین. (۱۳۸۷). گزیده اشعار شهریار. تهران: انتشارات زرین، چاپ پنجم. صاحب‌دل، بهرام (1393). «شریعت، طریقت و حقیقت در آیین شعر استاد شهریار».

فصلنامه پژوهشی و فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، سال اول، شماره اول.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰). *تفسیر المیزان*. (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

کبوتری، جواد و ماهیار، عباس (1391). «شریعت، عرفان و اخلاق در «مجنون و لیلی» امیرخسرو دهلوی». نشریه عرفان اسلامی، دوره 9، شماره 36.

مطهری، مرتضی (1387). *آشنایی با علوم اسلامی*. تهران: انتشارات صدرا.

منصوری، داریوش (1389). «بررسی چگونگی پیوند عرفان و شریعت از دیدگاه امام محمد غزالی». پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

نوری خاتونبانی، علی (1378). «تجلی شریعت و شیوههای بیان آن در مثنوی معنوی». پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). *پیام قرآن ج ۹*. تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم.

هاکس، جیمز. (۱۳۷۷). *قاموس کتاب مقدس*. تهران: انتشارات اساطیر، چاپ دوم.